

برنامه ریزی فضایی راهبردی برای حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در منطقه کلان‌شهری تهران

محمد حسین شریف زادگان* - دانشیار گروه برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
هانیه شمس کوشکی - کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران.

چکیده

از آن جا که شهرها و محیط پیرامون آن‌ها محیط رشد اقتصادی و کانون فعالیت و موقعیت‌های اجتماعی فضای سرزمینی کشورها محسوب می‌شوند، مدیریت شهری و منطقه‌ای باید دارای مولفه‌هایی باشد که از تمام شرایط فزاینده شهرنشینی بهره گیرد. حکمروایی به عنوان الگویی مردم‌سالار از نظام تصمیم‌گیری و اداره امور شهر و منطقه، در تقابل با مفهوم حکومت به کار می‌رود که در آن کنترل و هدایت توسعه شهری و منطقه‌ای در مجموعه سازمان‌ها و نهادهای نظام رسمی و دولتی خلاصه می‌شود. منطقه کلان‌شهری تهران با چالش‌های بزرگی در اداره و حکمروایی خود رو به روست که یکی از آن‌ها تفرق سیاسی و حکومتی به معنی وجود تعداد زیادی از عناصر و عوامل تصمیم‌گیر و اجرایی بدون وجود چارچوب‌های هماهنگ‌کننده است و برای چیرگی بر بسیاری از مسائل محتوایی و بهره‌گیری از توان‌های کلیه عناصر و عوامل مؤثر، ولی در عین حال پراکنده، باید بر این چالش غلبه کرد. مقاله حاضر در راستای غلبه بر تفرق‌های موجود در نظام برنامه ریزی و مدیریت منطقه کلان‌شهری تهران، از مفاهیم برنامه ریزی فضایی راهبردی و حکمروایی منطقه‌ای استفاده می‌کند. در این پژوهش، از روش‌های کمی و کیفی در جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل و تجویز استفاده شده و پرسش‌نامه‌ها توسط گروهی از ساکنان، کارکنان بخش خصوصی و عمومی و قدرت‌های دولتی، برای شناخت مشکلات و امکانات موجود در نظام اداره این منطقه تکمیل گردیده‌اند. راهبردهای استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان‌شهری تهران با استفاده از برنامه ریزی فضایی راهبردی در سه مرحله به صورت گام به گام و در زمینه‌های مختلف در راستای دستیابی به اهداف، ارائه می‌شوند. سیاست‌های اجرایی و سازوکار سازمانی پیشنهادی برای راه‌اندازی، اجرا و بازبینی برنامه راهبردی در راستای تحقق «حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در منطقه کلان‌شهری تهران» علاوه بر رفع نیازهای کمی، می‌تواند زمینه ارتقای کیفیت محیط و عدالت اجتماعی و هویت ملی و محلی و در یک‌کلام توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای را فراهم آورد.

واژگان کلیدی: حکمروایی، برنامه ریزی فضایی راهبردی، منطقه‌گرایی، منطقه کلان‌شهری تهران.

Strategic Spatial Planning for Regional Integrated Governance In Tehran Metropolitan Region

Abstract

Nowadays, it has been accepted in the world that the goals of sustainable development will be achieved by integrated planning and management and with respecting to the principles of update urban and regional sciences. Given that cities and their surrounding environment are considered as the driving force of economic growth and the focus of business and social situations in the most countries of the world, in the existing situation of multi-level urbanization, urban and regional management should be included components such as transparency, accountability, participation, law-oriented, efficiency and consensus-oriented to take advantage of all the conditions of increasing urbanization. On the other hand, increasing scale and scope and complexity of the cities and regions problems and also the unveiling the insufficiency of the bureaucratic traditional system and top-down decision making has led a trend toward systems in which large and small decisions are being taking by consensus-oriented of all groups interests.

Keywords: Governance – Strategic Spatial Planning –Regionalism – Tehran MetroRegion

جامعی را برای نشان دادن میزان و شدت هماهنگی، همکاری و مشارکت بین سازمانی و بین قلمرویی تولید کرد (اسدی، ایرج و همکار، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵).

«برنامه ریزی فضایی راهبردی»^۱، فرآیندی اجتماعی فضایی قابل تغییر و اتحادبخش است که ترجیحا توسط بخش عمومی راهبری می شود و از خلال آن چشم اندازها^۲، اقدامات عملی^۳ مرتبط با هم و ابزارهای اجرایی تولید می شود که «آنچه هست» و «آنچه باید بشود» را از یک فضا شکل می دهند (Albrecht, 2001a, 2006). «حکمروایی»^۴، فرآیندی است که بر اساس کنش متقابل میان سازمان ها و نهادهای رسمی برنامه ریزی و مدیریت شهر و منطقه از یک طرف و نهادهای غیررسمی جامعه مدنی از طرف دیگر شکل می گیرد. مشارکت نهادهای غیررسمی و تقویت عرصه عمومی می تواند به سازگاری منافع گوناگون و در نتیجه به پایداری توسعه شهری و منطقه ای منجر شود. «یکپارچگی»^۵، به معنی جست و جوی ابزارها و راهبردهایی برای چیرگی بر تفرق و چندپارگی (سیاسی، برنامه ریزی، عملکردی، ...) در نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری و منطقه ای است و «منطقه گرایی»^۶، به معنی هماهنگ کردن اجزای از هم گسیخته و مستقل برنامه ریزی و مدیریت منطقه ای برای کاستن از اثرات نامطلوب تفرق و تعدد عوامل تصمیم گیر و اجزای مختلف می باشد. «حکمروایی یکپارچه منطقه ای» بر تمام انواع تصمیم ها و سیاست گذاری ها در نظام برنامه ریزی و مدیریت منطقه سایه افکنده و «برنامه ریزی فضایی راهبردی» را به سوی تحقق اهداف توسعه هدایت می کند.

۱-۲- پیشینه تحقیق

تا سه دهه پیش، فرض غالب این بود که «حکومت»ها واجد ظرفیت کافی برای اداره و مدیریت هستند و توان اجرای سیاست ها و تحقق اهداف توسعه را دارند. بروز این دیدگاه در زمینه برنامه ریزی، رویکرد دولت مدار در توسعه است؛ به این معنی که سازمان های بخش عمومی به تنهایی می توانند انواع برنامه ریزی و مدیریت شهری و منطقه ای را به انجام رسانند، با این تلقی که

نیم نگاهی به وضعیت مدیریت شهری و منطقه ای در ایران نشان می دهد به دلایلی چون تمرکزگرایی، برونزا بودن برنامه ها و طرح ها و اقتصاد مبتنی بر نفت، مدیریت شهری و منطقه ای در سیطره دولت است و مدام از مدیریت یکپارچه و سیستمی فاصله گرفته و در گرداب مدیریت بخشی و سلولی گرفتار آمده و از روند شهرنشینی و در دیدگاه ها و نگرش های از بالا به پایین گرفتار گردیده است (بوجانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲). از سویی، به نظر می رسد جایگاه مناطق کلان شهری در کشور و «منطقه کلان شهری تهران» به طور خاص، برای کارگزاران اداره سرزمین به خوبی شناخته نشده است، زیرا سازوکار خاصی برای بهره برداری از توان های نهفته این پهنه ها در شرایط خاص اقتصاد جهانی شده که کانون خود را مناطق کلان شهری می یابد، اندیشه نشده است. مفهوم منطقه و جایگاه منطقه کلان شهری تهران، گستره فعال ترین پهنه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به شمار می رود که با دیگر مناطق کلان شهری در رقابتی بسیار دشوار قرار دارد.

شدت یافتن روزافزون مقیاس و گستردگی و نیز پیچیدگی مسائل شهرها و محیط های پیرامون و همچنین آشکار شدن بی کفایتی سیستم های سنتی تصمیم گیری بالا به پایین، سبب شده است گرایشی به سوی سیستم هایی به وجود آید که در آن تصمیمات بزرگ و کوچک با اشتراک بین صاحبان منافع اتخاذ می شوند (عسگری (الف)، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴). صاحب نظران، امروزه به این نتیجه رسیده اند که مشکل عمده مدیریت شهر و محیط پیرامون آن کمبود منابع مالی، انسانی یا تکنولوژی مدرن نیست بلکه پیش و بیش از همه، مشکل اصلی در شیوه اداره این عوامل است (ترابی، ۱۳۸۳، ص ۶). مفهوم «حکمروایی» که اکنون به عنوان مفهومی فراگیر وارد حوزه برنامه ریزی و مدیریت شده، جایگزین مفهوم های پیشین اداره و مدیریت است و می توان با ترکیبی از این مفهوم با قلمروهای فضایی مختلف، مفاهیم بسیار

تضادی در ارزشها و منافع وجود ندارد و جامعه و برنامه‌ریزان به درک واحدی از مشکلات و اهداف رسیده‌اند (Rakodi, 2003). با شکل‌گیری دیدگاه تکثرگرا از ساختار اجتماعی، هریخش از جامعه دارای نفع و دید متمایزی پنداشته می‌شود که باید جایگاه مشخصی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها پیدا کند و در این مفهوم جدید، حکومت‌های رسمی به تنهایی، نه تنها فاقد ظرفیت اداره و حکومت هستند بلکه در یک جامعه دموکراتیک صلاحیت و مشروعیت آن را نیز ندارند. در راستای این تلقی مفهوم «حکمروایی» اشاعه یافت و به جای مدیریت دولت مدار به کار گرفته شد.

از سویی، نظام برنامه ریزی و مدیریت، بدون جامع‌نگری و یکپارچه‌سازی تصمیم‌ها و سیاست‌ها قادر نخواهد بود تعدد و تکثر موجود در ماهیت شهرها و مناطق شهری را هدایت کند و به اهداف برنامه ریزی دست یابد و مفهوم «حکمروایی یکپارچه» در راستای چنین تلاش‌هایی شکل گرفت. در عصر حاضر که «منطقه‌گرایی» به دلیل تعداد جمعیت ساکن در مناطق شهری و نقش اقتصادی و سیاسی آن‌ها در عصر جهانی شدن در مقیاس فضایی بزرگتری از برنامه ریزی محلی خود را می‌نمایاند، توجه ویژه به «حکمروایی یکپارچه منطقه ای» به عنوان یک چتر وحدت‌بخش در نظام برنامه ریزی و مدیریت، بیش از پیش در جهان و همچنین کشور ایران که به دنبال تثبیت جایگاه روشن و متناسب اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در نظام جهانی است، اهمیت پیدا می‌کند (اسدی، ایرج و همکار، ۱۳۸۸).

۱-۳- پرسش‌ها و اهداف

در پژوهش حاضر، تبیین و تحلیل حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران و استفاده از برنامه ریزی فضایی راهبردی برای دست‌یابی به حکمروایی یکپارچه در این منطقه، در پی یافتن پاسخ پرسش‌های تحلیلی و تجویزی از این قبیل است:

– نظام برنامه ریزی و مدیریت منطقه کلان شهری تهران با چه چالش‌هایی برای حکمروایی و غلبه بر تفرق‌ها رو به رواست؟

– چه راهبردهایی می‌توان برای استقرار حکمروایی یکپارچه در منطقه کلان شهری تهران با استفاده از برنامه ریزی فضایی راهبردی ارائه داد؟

تبیین و تحلیل برنامه ریزی فضایی راهبردی برای حکمروایی یکپارچه در منطقه کلان شهری تهران، در پی تبیین و تحلیل مشکلات و چالش‌های موجود نظام برنامه ریزی و مدیریت منطقه کلان شهری تهران و تحلیل کارآمدی مفهوم «حکمروایی یکپارچه» در وحدت بخشیدن و فراگیر نمودن توسعه منطقه کلان شهری تهران است و هدف تجویزی پژوهش، ارائه راهبردهایی برای استقرار نظام حکمروایی یکپارچه در منطقه کلان شهری تهران با استفاده از برنامه ریزی فضایی راهبردی است.

۲- روش‌شناسی

در هر یک از گام‌های فرآیند برنامه ریزی فضایی راهبردی، شامل بررسی اسناد و منابع موجود برای مرور مشکلات، اهداف و راهبردها، تعیین مشکلات، تدوین اهداف، تولید و ارزیابی راهبردها، روش‌های گوناگونی با توجه به امکانات موجود استفاده شده است. در سنجش حکمروایی، شاخص‌هایی با توجه به چالش‌های منطقه ای و شاخص‌های بین‌المللی به کار گرفته شده‌اند و در جمع‌آوری و پردازش اطلاعات از:

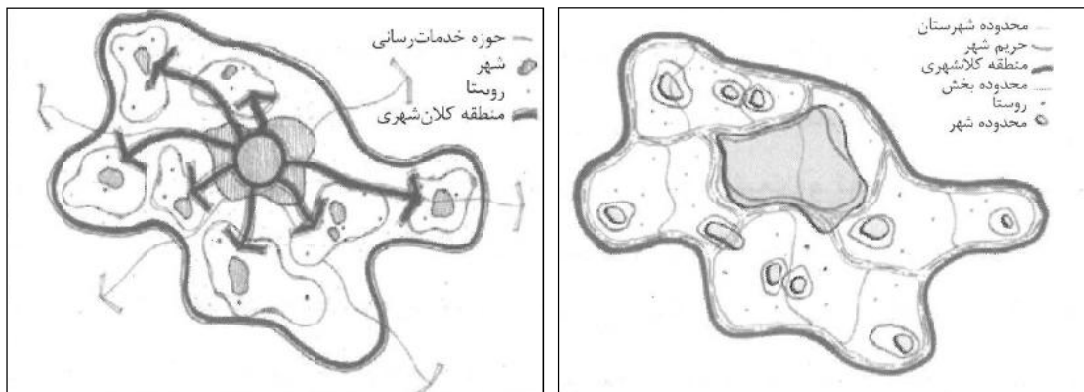
– طراحی پرسش‌های ترکیبی باز و بسته با درجه بندی طیف لیکرت^۷ برای پرسش‌نامه‌های سنجش حکمروایی؛
– تکمیل پرسش‌نامه‌ها بدون مصاحبه با نظارت پرسش‌گر؛

– نمونه‌گیری خوشه‌ای^۸ در منطقه مورد بررسی برای نمونه‌گیری از جامعه آماری؛

– اعتبار محتوا^۹ برای سنجش روایی پرسش‌نامه‌ها؛

– آلفای کرونباخ^{۱۰} برای سنجش پایایی پرسش‌نامه‌ها استفاده شده است.

در تعیین جامعه آماری برای جمع‌آوری اطلاعات منطقه، مانند برنامه مجموعه شهری تهران از مرز بندی‌های شهرستانی استان تهران استفاده شده است و



شکل ۱. تفرق سیاسی (سمت راست) و یکپارچگی و همبستگی عملکردی (سمت چپ) در منطقه کلان شهری، ماخذ: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، ۱۳۸۵

۳- مبانی نظری به کارگیری برنامه ریزی فضایی راهبردی برای حکمروایی در مناطق کلان شهری

در سال‌های بعد از دهه ۱۹۹۰ میلادی بسیاری از مناطق کلان شهری در دنیا تلاش‌های زیادی را صرف منطقه‌گرایی کلان شهری نموده‌اند. افزایش تفرق سیاسی از طریق افزایش تعداد قلمروهای سیاسی و مدیریتی، افزایش پیچیدگی و تنوع در الگوهای تصمیم‌گیری و فقدان دید و رویکرد یکپارچه منطقه‌ای (شکل شماره ۱) در اداره و مدیریت شهر - منطقه‌ها و همچنین فرایندهایی چون جهانی شدن و روند گذار از حکومت به حکمروایی ضرورت تجدید ساختار در حکومت و حکمروایی شهر - منطقه‌ها را بیش از پیش نشان می‌دهد.

تحقق و استقرار مدل حکمروایی شهری در مناطق کلان شهری، مستلزم پیش‌زمینه‌ها و متضمن تغییرات بنیادین در نگرش و روش اداره امور این مناطق است. خلاصه‌ای از این الزامات را به شرح زیر می‌توان طبقه‌بندی کرد:

نظریه حکمروایی، نگرشی نو در اداره شهرها و مناطق شهری است که ضمن نظری بودن عملی هم هست. به منظور برون رفت از تنگناها و چالش‌های شهرنشینی جدید و گذار از نظام متمرکز به غیر متمرکز تحول در نظام مدیریت، تحقق اصل حکمروایی شایسته یک ضرورت است. با توجه به تهیه طرح‌های راهبردی به جای

چهار شهرستان تهران، شمیرانات، ری و اسلام شهر که شهرستان‌های مرکزی استان تهران هستند و مرز مناطق بیست و دوگانه شهرداری تهران به داخل آن‌ها نفوذ کرده و تنوع قابل قبولی از اقشار اجتماعی را در خود جای داده‌اند، برای آمارگیری انتخاب شده‌اند. پرسش‌نامه‌ها در گروه‌های ساکنین، مسئولین بخش دولتی، مسئولین بخش عمومی و مسئولین بخش خصوصی، به طور متوازن توزیع و تکمیل گردیده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. هم‌چنین در تحلیل و تجویز برنامه از:

- روش تحلیل سلسله مراتبی^{۱۱} برای وزن دهی به شاخص‌های حکمروایی؛

- روش نقاط قوت، ضعف، فرصت، تهدید^{۱۲} برای تولید راهبردها؛ و

- ماتریس دستیابی به اهداف^{۱۳} برای ارزیابی راهبردها استفاده شده است.

تحلیل اطلاعات نیز برای آگاهی از امکانات و مشکلات موجود در نظام برنامه ریزی و مدیریت منطقه کلان شهری تهران با توجه به شاخص‌های حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای صورت می‌گیرد. تجویز پیشنهادات و راهبردها در این پژوهش، در چهار زمینه اصلی قلمروها، ساختارها و نهادها، جامعه مدنی و منابع شامل طرح‌ها و برنامه‌ها، قوانین و مقررات و منابع مالی صورت گرفته است که در سه مرحله به صورت گام به گام به اجرا می‌آیند.

11. analytical hierarchy process (A.H.P)
12. SWOT
13. Goal Achievement Matrix

جدول ۱. الزامات تحقق حکمروایی در مناطق کلان شهری؛ ماخذ: صرافی، ۱۳۷۸

الزامات محتوایی ^{۱۴}	- پذیرش و حرکت به سمت نظام باز، کثرت گرا و مدنی از طریق تقسیم و انتقال قدرت سیاسی
	- توسعه گرایی مبتنی بر انسان محوری و پایداری اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی
	- مشارکت جویی شهروندان و مشارکت پذیری سازمان‌ها و مسئولان رسمی
	- کارایی و اثر بخشی کلیت منطقه کلان شهری و اجزای عملکردی و جغرافیایی آن
الزامات رویه ای ^{۱۵}	- کل گرایی و نگرش جامع و فراگیر در سطح کل منطقه کلان شهری
	- برخورداری از محدوده فضایی مشتمل بر کل منطقه کلان شهری به عنوان محدوده مسئولیت و عمل نظام حکمروایی کلان شهری
	- برخورداری از نیروی انسانی و کارکنان حرفه‌ای و کارآمد و پایه درآمدی شناور و اجازه وضع عوارض و مالیات
	- عدالت فضایی و اجتماعی در خدمات رسانی به تمام ساکنان و همه محدوده منطقه کلان شهری
	- طراحی ساختار، فرآیند و قواعد تصمیم سازی و تصمیم گیری (رسمی و غیر رسمی) بر مبنای معیارها و ویژگی‌های مدل حکمروایی
	- تدوین و استقرار روش‌ها و مکانیزم‌های تضمین کننده شفافیت، اثر بخشی و پاسخگویی نظام حکمروایی

طرح‌های سنتی در کشور باید شرایط تحول در روش‌های تصمیم‌سازی، اصلاح قوانین و تقویت جامعه محلی را در دستور کار جدی قرار داد و این امر باید در بستر حقوقی و مدیریتی جوامع محلی بستر سازی شود. به عبارتی دیگر به کارگیری رویکرد راهبردی مستلزم تحول در روش برنامه ریزی و پذیرش انعطاف و عدم قطعیت است. انعطاف در سطوح تصمیم‌سازی که متضمن منافع آحاد جامعه است، نیازمند تحول در بستر قانونی و مدیریت شهری و منطقه ای است (لاله پور، ۱۳۸۶). اهم موانع استفاده از چنین رویکردی در حکمروایی شامل دو دسته موانع می‌باشد که در محیط و در فرآیند برنامه ریزی روی می‌دهد و اهم موارد آن در جدول شماره ۲ آورده شده است:

برنامه ریزی راهبردی با رویکرد مشارکتی، گزینشی، اقدام

مدیریت شهری

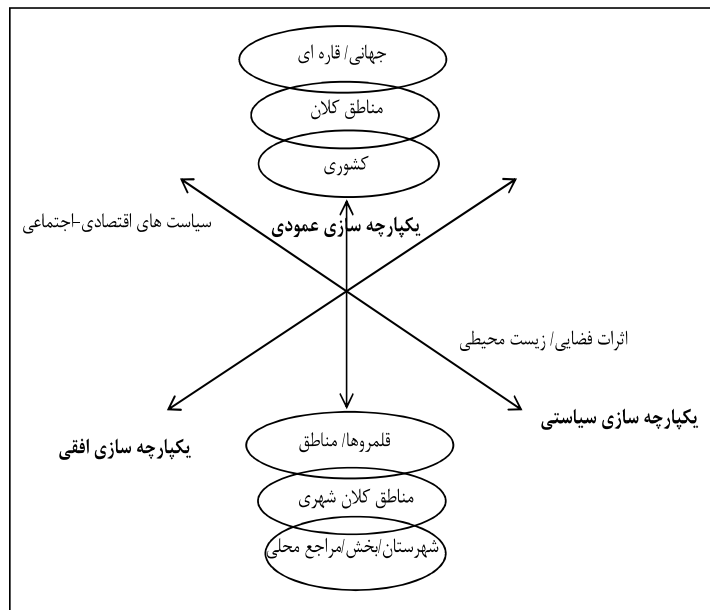
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014

۲۷۷

جدول ۲. موانع استفاده از رویکرد برنامه ریزی فضایی راهبردی در حکمروایی؛ ماخذ: مرادی مسیحی، ۱۳۸۴

موانع محیط برنامه ریزی	- تصدی گری واحدهای مرکزی دولتی در امر برنامه ریزی و- عدم وجود مدیریت واحد برای مناطق کلان شهری؛
	- عدم وجود مکانیزم های مشخص و قوانین لازم برای جلب مشارکت مردم و تشکل های غیر دولتی؛
	- عدم وجود نظام برنامه ریزی فضایی یکپارچه در سطح ملی، منطقه ای، محلی؛
	- عدم استقلال نهادهای محلی (شورای شهر و شهرداری ها) و محدود بودن حوزه اختیارات آن ها؛
	- عدم وجود سازمان با مسئولیت انجام برنامه ریزی استراتژیک برای کلان شهرها (به طور دائمی)؛
	- ضعف تشکیلات شهرداری ها و شوراهای و- عدم تثبیت قانون گرایی در سطح کشور
موانع در فرآیند برنامه ریزی	- عدم وجود نهادهای غیردولتی متشکل بعنوان نمایندگان گروههای ذی نفع
	- ضعف فرهنگ شهروندی و عدم اطلاع کافی مردم از عملکرد و مسئولیت های شهرداری
	- ترس برنامه ریزان، مدیران و مجریان از مشارکت مردم
	- فرآیند برنامه ریزی به کار گرفته شده جدی گرفته نشده است
	- سیستم های برنامه ریزی، عدم موفقیت در برقراری رابطه میان سیستم های برنامه ریزی با سیستم عملکردی و ...

14. Substantial
15. Procedural



شکل ۲. مدل فضایی حکمروایی یکپارچه، ماخذ: اسدی؛ برگ پور، ۱۳۸۸

جدول ۳. مشکلات همسویی قوانین از منظر برنامه ریزی فضایی راهبردی در ایران؛ ماخذ: مهدی زاده، ۱۳۸۵؛ صحت زاده، ۱۳۸۴

مشکلات	طرح
- نبود هماهنگی قانونی در نهادهای تصمیم ساز نظام برنامه ریزی فضایی نظیر مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی وزارت کشور، دفتر امور فنی و تدوین معیارهای سازمان مدیریت و برنامه ریزی سابق، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی این وزارتخانه	طرح تحقیقاتی وزارت مسکن و شهرسازی سابق
- عدم تدوین دستورالعمل ماده ۲۰ آیین نامه نحوه بررسی و تصویب طرح های توسعه و عمران (مصوب ۱۳۷۸) در زمینه جلب مشارکت مردم و نهادهای محلی در حین تهیه طرح	
- ضعف جایگاه قانونی مهندسین مشاور شهرساز	
- نبود آیین نامه و راهنما در خصوص اسناد و مدارک برنامه های توسعه	
- تمرکز تصویب برنامه ها در سطح شورای عالی شهرسازی و معماری و عدم جایگاه قانونی موثر نهادهای محلی	
- عدم الزام قانونی به حرکت و برنامه ریزی در برنامه های فضایی فرادست	
- عدم وجود آیین نامه دستورالعمل در خصوص چگونگی نظارت بر اجرای برنامه های توسعه شهری و منطقه ای	
- عدم کفایت قوانین	طرح ارزیابی و ارائه برنامه استراتژیک آموزش برنامه ریزی شهری و منطقه ای
- قدیمی بودن آن ها و به روز نبودن قوانین	
- فقدان ضمانت اجرایی	
- آشفتگی و تناقض در پرسش شوندگان	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014

۲۷۸

محور خود می تواند به شناسایی اولویت ها و تحرک منابع برای تحقق آن ها کمک شایانی بکند. مشارکت عمومی در تصمیم گیری توسعه، شفافیت و پاسخ گویی تصمیم گیران در مقابل ذی نفعان و همچنین تخصیص عادلانه و استفاده از منابع همگی اصول اولیه و مشترک رویکرد فضایی راهبردی و حکمروایی به شمار می روند. پس از تقویت سازمان های محلی و ایجاد حکومت محلی، طراحی و بهبود تماس و مشارکت میان حکومت

مشکلات	عوامل
– بیشتر قوانین الزام متوجه حضور کنش‌گران را در فرآیند تصویب از طریق عضویت در کارگروه‌ها و شوراهای تشکیل شونده و فعال در فرآیند برنامه‌ریزی فضایی هستند و نه در فرآیند برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی.	عدم الزام قانونی به تعامل به برنامه‌ریزی فضایی در فرآیند برنامه‌ریزی
– قوانین به گونه‌ای هستند که نه تنها مداخله اصولی در فرآیند برنامه‌ریزی را مقدم می‌سازد، بلکه موجب تداخل نیز می‌شود.	عدم تداخل کارکردها و فعالیت‌های قانونی با نظام برنامه‌ریزی فضایی
– الزام قانونی مشخصی برای حرکت و اقدام این کنش‌گران در چارچوب‌های کلان تدوین شده در برنامه‌ریزی فضایی ندارد و اگر هم در قالب تبصره‌ها یا ماده‌های واحد وجود دارد از آن‌جا که ضمانت اجرایی و نظارتی بر آن نیست، در عمل تحقق نمی‌یابد.	عدم الزام قانونی به اقدام و حرکت در چارچوب‌های تدوین شده در برنامه‌ریزی فضایی

محلی با بخش خصوصی و جامعه مدنی و تلاش برای دربرگیری بازیگران و ذی‌نفعان متعدد شهر و محیط پیرامون آن اهمیت بالایی دارد. بنابراین شرط تحقق اهداف برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، حکمروایی یکپارچه است که ابعاد مختلف آن در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.

۲-۴- همسویی کنش‌گران^{۱۶}

کنش‌گران در فضا از آنجا که نقش بسیار مهمی در تغییرات فضایی دارند در برنامه‌ریزی فضایی راهبردی اهمیت می‌یابند. قوانین و دستورالعمل‌های ناظر بر فعالیت این کنش‌گران را می‌توان از منظر برنامه‌ریزی فضایی راهبردی از سه جنبه سنجید که مشکلات مربوط به هرکدام در جدول شماره ۴ آورده شده است:

۴- وضع موجود برنامه‌ریزی فضایی راهبردی در ایران مشخص‌ترین قوانین رسمی که ناظر بر فعالیت‌های برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی فضایی هستند در نظام قانونی برنامه‌ریزی فضایی نمود می‌یابد. از منظر برنامه‌ریزی فضایی راهبردی می‌توان وضعیت نظام قانونی رسمی در ایران را در حوزه‌های قوانین و دستورالعمل‌های رسمی موجود، قوانین کنش‌گران در فضا و کاربست و شیوه‌های مرسوم و رایج برنامه‌ریزی فضایی، مورد بررسی قرار داد.

۳-۴- همسویی کاربست و شیوه‌های رایج برنامه‌ریزی فضایی

یک فضای مغشوش و تصویری مبهم از برنامه‌ریزی راهبردی در نظام برنامه‌ریزی فضایی ایران تولید شده است؛ چراکه از یک طرف تلقی از برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی بر پارادایم قدیم آن شکل گرفته و از طرف دیگر مباحث جدید برنامه‌ریزی فضایی راهبردی بر ایده‌های جدید و موضوعات و مفاهیم نوین در حال تاکید است و کنش‌گران برنامه‌سازی فضایی راهبردی از یک سو می‌خواهند از مفاهیم جدید استفاده کنند و از یکسو سرمایه فکری فکری متفاوتی دارند. این موضوع باعث می‌شود تا یک اتفاق مهم در تلاش‌ها و اقدامات عملی برنامه‌ریزی فضایی راهبردی در ایران شکل بگیرد که آن «تقلیل مفهومی و عملی مفاهیم، اصول و فرآیند برنامه‌ریزی فضایی راهبردی و تنزل جایگاه و نقش آن» است که مشکلات حاصل از آن در جدول شماره ۵ آورده شده است.

۴-۱- همسویی قوانین و دستورالعمل‌های رسمی موجود مشکلات قوانین از منظر برنامه‌ریزی فضایی راهبردی در ایران با استفاده از نتایج طرح تحقیقاتی وزارت مسکن و شهرسازی سابق (مهدی‌زاده، ۱۳۸۵) و طرح ارزیابی و ارائه برنامه استراتژیک آموزش برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در ایران (صحت‌زاده، ۱۳۸۴) در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. در مجموع قوانین و مقررات موجود در نظام برنامه‌ریزی فضایی را نمی‌توان کاملاً همسو با اصول برنامه‌ریزی فضایی راهبردی دانست.



جدول ۵. مشکلات همسویی کاربری و شیوه‌های رایج از منظر برنامه‌ریزی فضایی راهبردی در ایران؛ ماخذ: منوچهری فر، ۱۳۸۷

عوامل	مشکلات
تقلیل مفهومی	- تقلیل مفهومی برنامه ریزی فضایی راهبردی از یک پارادایم برنامه ریزی به یک شیوه و رویکرد برنامه ریزی (در حالت خوش بینانه آن) و یک مرحله از فرآیند برنامه ریزی جامع (در حالت وخیم آن)
	- تقلیل پارادایم برنامه ریزی فضایی راهبردی از طریق تمرکز صرف بر محصول و تلاش به منظور مشابهت سرفصل های برنامه های راهبردی با سرفصل های برنامه های جامع نظیر وجود راهبرد یا بیانیه راهبردها
تقلیل عملی	- تقلیل تکنیکی برنامه ریزی فضایی راهبردی به تعدادی از فنون مورد استفاده در فرآیند مطالعات فضا و نه فرآیند برنامه سازی
	- تقلیل فرآیند برنامه ریزی فضایی راهبردی به مرحله ای از برنامه ریزی جامع و صرفاً در تولید راهبردهای گزینه و انتخاب آن ها
	- قطعه قطعه شدن برنامه ریزی فضایی راهبردی و انتخاب گزینشی مفاهیم و اصول آن و استفاده ابزاری و مبتنی بر درک شخصی از همان مفاهیم اخذ شده

جدول ۶. مشکلات مدیریت شهری و منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه مانند ایران؛ ماخذ: لاله پور، ۱۳۸۶

سطح	مشکلات
سطح ملی	- تصمیمات مربوط به توسعه از بالا به پایین هستند و دستگاه‌های بین‌المللی، ملی و استانی تهیه کننده طرح‌ها و برنامه‌ها، معمولاً نحوه تخصیص منابع و سرمایه‌گذاری‌ها را تعیین می‌کنند.
	- اراده موجود برای تغییر معمولاً با موانع زیادی از جمله قوانین و مقررات مطرود و رویه‌های قدیمی جا افتاده مواجه می‌شود.
	- منافع و نیازهای گروه‌های آسیب‌پذیر و اقلیت فرصت کافی برای بیان پیدا نمی‌کنند.
سطح منطقه‌ای	- معمولاً حکومت محلی در مقابل خواسته‌های رفاهی احساس عجز می‌کند.
	- شرکت‌ها و مؤسسات سرمایه‌گذاری محلی منافع خاص خود و اغلب متعرض با یکدیگر را دنبال می‌کنند
	- آگاهی از حقوق و مسؤلیت‌های مدنی در میان شهروندان و تصمیم‌گیرندگان حکومت‌های محلی بسیار ضعیف است.
	- کوشش اندکی برای بسیج و به حداکثر رساندن منابع محلی صورت می‌گیرد.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014

■ ۲۸۰ ■

در یک نگاه کلی در مورد وضعیت نظام قانونی رسمی در ایران از منظر برنامه‌ریزی فضایی راهبردی می‌توان این گونه جمع بندی نمود که الزامات نظام قانونی رسمی برای استفاده یا استقرار برنامه ریزی فضایی راهبردی در سطح کیفی بسیار پایینی قرار دارد، به بیان دیگر قوانین و مقررات رسمی موجود با نیازهای قانونی برنامه ریزی فضایی راهبردی نه تنها هماهنگ و همسوییست بلکه در مواردی حتی مخالف آن بوده و در برابر تغییر بسیار مقاوم‌اند.

۵- الزامات و چالش‌های حکمروایی در ایران

بررسی ساز و کارهای برنامه‌ریزی و مدیریت در کشورهای

در حال توسعه الزامات ملی ناشی از این نظام را در به کارگیری الگوی حکمروایی آشکار می‌سازد. در بیشتر کشورهای در حال توسعه، نظام برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه به صورت متمرکز است و نظارت و توسعه از طریق سازمان‌های دولتی و عمومی در سطح ملی و محلی انجام می‌پذیرد. برخی مشکلات مدیریت شهری و منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه و از آن جمله ایران در جدول شماره ۶ نشان داده شده است.

یکی از اهداف اصلی رویکرد حکمروایی این است که ساکنان مناطق شهری از یک شهروند انفعالی به یک شهروند فعال و مسؤلیت‌پذیر تبدیل شوند. در این دیدگاه شهروندان دیگر شیء بی‌جان محسوب

نمی‌شوند بلکه عملگرهایی فعال هستند. دولت نه تنها

باید به شهروندان خودگوش دهد بلکه باید آنها را به طور

فعال در تمام مراحل سیاست گذاری دخالت دهد.

فلسفه‌ی این کار این است که با فراهم کردن چنان رقابتی،

از شهروندان انتظار می‌رود که در مدیریت زندگی خود

مسئولیت پذیر باشند، و اقدامات لازم را برای بهبود

وضعیت محل زندگی خود انجام دهند. در این خصوص

مهمترین مفهوم «توانمندسازی» است. حکمروایی با

ابتکار عمل، سیاست از پایین به بالا و شبکه‌های خود

سازمانی، رویکردهای قدیمی سلسله مراتبی، از بالا به

پایین و دیوان سالاری را کم رنگ و ناکارآمد کرده است.

مرزهای بین سازمانی موجود در ساختار دولتی همگی

نفوذپذیر شده‌اند. بیشتر از گذشته، ساکنان نواحی قرار

گرفته در طرح در برنامه‌ها دخالت دارند و به مشکلات

آن‌ها گوش داده می‌شود (AmamooOtchere, 2006).

and Kempen.R, 2004) دست یافتن به این اهداف در کشورهای در

حال توسعه با توجه به مدیریت‌های سنتی و متمرکز

متداول در این کشورها خود ایجاد ساختارهای سازمانی،

قانونی و مالی مناسب با این اهداف الزامی می‌سازد.

لازمه‌ی رفع ناپایداری توسعه در کشورهای در حال

توسعه رفع ناپایداری‌ها از بدنه‌ی نهادهای مدیریتی و

برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای و کارآمدسازی، اثرپذیری

و مسئولیت‌پذیری بیشتر در اداره‌ی امور شهری و تفویض

وظایف، صلاحیت‌ها و قدرت به حکومت‌های محلی و

سایر ذی‌نفعان محلی است که به شیوه‌ی جدیدی از

اداره‌ی شهرها و مناطق به نام حکمروایی دلالت دارد. در

شرایط پیچیدگی جوامع شهری و به تبع آن تعدد و تکثر

کنش‌گران و نیروهای مؤثر در حیات شهر و محیط

پیرامون آن، در مقیاس‌های مختلف محلی، ملی و

منطقه‌ای و ضرورت همگرایی آن‌ها در جهت رسیدن به

عدالت قضایی را می‌توان مهم‌ترین استدلال ضرورت

حکمروایی و جایگزینی آن به جای شیوه‌های قبلی

مدیریتی دانست. در این‌گونه از مسؤولیت اجرایی

مستقیم مدیریت کمتر شده و امکان بیشتری برای رویکرد

مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی فراهم شود. در اینجا

مدیریت از بالا پایین نیست و مشارکت شهروندان در

اداره‌ی امور، جزء جدایی‌ناپذیر آن است

۶- وضعیت فعلی مدیریت منطقه کلان شهری تهران برای

حکمروایی

در این پژوهش، شناخت وضعیت فعلی مدیریت منطقه

کلان شهری تهران برای حکمروایی از طریق مطالعه

اسناد و مدارک موجود در مورد نظام اداری- اجرایی

حاکم و عناصر مؤثر و عملکرد آن‌ها در مدیریت منطقه

شهری تهران و هم چنین از طریق مطالعات میدانی

صورت گرفته است تا با جمع بندی آن‌ها بتوان به تحلیل

مناسبی برای ارائه راهبردهای استقرار نظام حکمروایی

در منطقه کلان شهری تهران رسید.

۶-۱- وضعیت فعلی مدیریت منطقه کلان شهری تهران

براساس مطالعات اسنادی

از حدود چهار دهه پیش، عوامل مختلفی موجب توسعه

فیزیکی شهر تهران و افزایش روابط و پیوندهای آن با

منطقه پیرامونی خود شده و به تدریج منطقه عملکردی

یا مجموعه شهری تهران را شکل داده است. برخی از این

عوامل عبارتند از: افزایش طبیعی جمعیت، افزایش

مهاجرت از روستاها و شهرها به تهران، تصویب طرح

جامع تهران و افزایش قیمت زمین در داخل محدوده

طرح و در نتیجه اسکان افشار کم‌درآمد در اراضی

پیرامونی، اعمال محدودیت‌هایی در زمینه استقرار

صنایع و کارخانه‌ها در قلمرو بلافصل شهر و نظایر آن.

عوامل فوق موجب افزایش و پخش جمعیت و فعالیت و

گسترش قلمرو منطقه کلان شهری تهران شده است. به

این ترتیب در حالی که در سال ۱۳۴۵ شهر تهران با

جمعیت حدود ۲/۷ میلیون نفر نزدیک به ۸۰ درصد

جمعیت منطقه کلان شهری تهران را به خود اختصاص

می‌داد، در سال ۱۳۸۵ و با افزایش جمعیت شهر تهران به

بیش از هفت میلیون نفر، این نسبت به ۶۰ درصد کاهش

یافته است. روند سریع گسترش منطقه عملکردی

تهران، بدون پیش بینی و استقرار ترتیبات نهادی و

قانونی لازم برای کنترل و هدایت توسعه و ارائه خدمات

متناسب در کل منطقه، موجب بروز مشکلات و

چالش‌های محتوایی متعدد همچون گسترش

سکونتگاه‌های غیررسمی، تخریب محیط زیست، از بین

جدول ۷. نارسایی‌های شیوه فعلی اداره منطقه کلان‌شهری تهران با اصول و راهبردهای مدل حکمروایی؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس (عسگری و همکاران، ج دوم، ۱۳۸۳، ص ۱۱۱-۹۸ و ۱۷۷-۱۷۵)، ۱۳۹۰

مشکلات	عوامل
<p>- نظام مدیریتی و حکومتی مستقل و متمایز برای منطقه کلان شهری تهران وجود ندارد</p> <p>- منطقه کلان شهری فاقد یک سیستم متمایز، تعریف شده و رسمی مدیریت فضایی است. با این حال، اداره امور این نظام، با اتکا به ساختارها و روش‌های رایج و ملاک عمل مدیریت شهری و روستایی در حال انجام و گذران است.</p> <p>- فرآیند تصمیم‌گیری و امور اجرایی در سازمان‌های رسمی مدیریت منطقه کلان شهری تهران از سوی مراجع غیر رسمی قدرت اجتماعی و اقتصادی نفوذ پذیر است. فقدان مجراها و سازوکارهای رسمی اعمال قدرت و نظارت توسط نهادهای بخش‌های مردمی و خصوصی، به اعمال قدرت و نفوذ آنها از طریق مجاری و روش‌های غیر رسمی اما موثر منجر شده است.</p> <p>- زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در منطقه کلان شهری تهران افت کرده است. شرایط موصوف باعث تشدید ناپایداری و موانع زندگی و فعالیت سالم در منطقه کلان شهری تهران شده و خواهد بود.</p> <p>- ساختار موجود با هر دو الگوی حکومت شهری و حکمروایی شهری قرابت ندارد. با وجود عدم تناسب فرایند و محتوای ساختار موجود با الگوی حکومت شهری، فاصله این ساختار با الگوی حکمروایی شهری هم به لحاظ رویه و هم به لحاظ محتوا بسیار بیشتر و عمیق‌تر است.</p>	<p>نظام اداری - اجرای حاکم در مدیریت منطقه شهری تهران</p>
<p>- سازمان‌های موثر در مدیریت منطقه از منابع و فرایندهای رسمی و دولتی مشروعیت می‌گیرند. انتصابی بودن قریب به اتفاق عناصر مدیریتی منطقه، نشان‌دهنده وابستگی و نمایندگی آنها از سوی قدرت سیاسی و فقدان مکانیزم‌های رسمی برای اعمال نظارت و کنترل از سوی مراجع قدرت اجتماعی و اقتصادی است.</p> <p>- ساختار و روش‌های جاری اداره امور منطقه کلان شهری بر ساختارهای دولتی و عمومی موجود اتکا دارد. عناصر اصلی و رسمی اداره امور منطقه کلان شهری تهران عمدتاً شامل سازمان‌های دولتی و عمومی است و بخش‌های مردمی و خصوصی حضوری در این عرصه ندارند.</p> <p>- در فرم رسمی مدیریت منطقه کلان شهری تهران و عملکرد واقعی و عینی آن دوگانگی وجود دارد. اگرچه فرم رسمی و الگوی ظاهری مدیریت این منطقه منبعث از الگوی حکومت شهری است، اما ضعف و نفوذپذیری این سازمان‌ها باعث ضعف عملکرد آنها در تحقق اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های رسمی و حکومتی به نفع خواسته‌های دیگر نیروها شده است.</p>	<p>عناصر موثر و عملکرد آن‌ها در مدیریت منطقه شهری تهران</p>
<p>- ساختار فضایی منطقه کلان شهری به تبعیت از نهادها و سازمان‌های متفرق و منبعث از الگوی حکومت شهری دارای تشتت و تفرق است. واگرایی در ساختار و سازمان فضایی منطقه کلان شهری تهران را می‌توان نتیجه غلبه رسمی نهادهای قدرت مدار و ناهم‌سویی نهادهای غیر رسمی با سیاست‌ها و برنامه‌های آنها دانست. تقابل و ناهم‌سویی مذکور، زمینه ساز واگرایی عناصر اصلی ساخت و ساز-بخش خصوصی و مردمی- و در نتیجه تفرق در ساختار فضایی-کالبدی منطقه کلان شهری تهران شده است.</p> <p>- مدیریت منطقه کلان شهری تهران در جهت هماهنگی با تغییرات نهادی تقویت‌کننده قدرت بخش‌های غیر دولتی، مردمی و خصوصی انطباق لازم را ندارد. تحولات دو دهه اخیر در سطح منطقه کلان شهری تهران به ارتقای عملی جایگاه، قدرت بالقوه و نفوذ بالفعل بخش‌های غیر دولتی در فرایندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فضایی این منطقه منجر شده است. پایداری و انسان‌محور بودن توسعه آینده این مجموعه، مستلزم ظرفیت‌سازی برای پذیرش نیروهای جدید در سازمان مدیریتی منطقه از طریق استناد به آموزه‌های رویکرد حکمروایی شهری و منطقه‌ای و تقویت اعتماد و تشریک مساعی بین همه این کنشگران است.</p>	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014

۲۸۲

رفتن اراضی مرغوب باغی و کشاورزی، آلودگی‌های آب و خاک و هوا، ناکارایی شبکه حمل و نقل و غیره شده است.

در شرایط کنونی، اداره و مدیریت منطقه کلان شهری تهران به عنوان یک کل یکپارچه در بین قلمروهای حکومتی و مدیریتی متعدد و نهادهای خدماتی حکومت مرکزی تقسیم شده است، به طوری که هیچ نوع نگرش و رویکرد یکپارچه‌ای برای اداره و مدیریت آن وجود ندارد. این چالش بنیادین که به ابعاد فرآیندی و رویه‌ای سیاست گذاری و اجرای تصمیمات در منطقه کلان شهری تهران مربوط می‌شود، به تفرق سیاسی و یا حکومتی مشهور است که در بسیاری از موارد علت شکل‌گیری و یا تشدید مشکلات محتوایی یاد شده است. در برابر تفرق سیاسی به عنوان یک چالش رویه‌ای در اداره و حکمروایی مناطق کلان شهری راهبردهای متعددی از سوی مناطق کلان شهری مختلف در دنیا تدبیر شده و به کار رفته است که طیفی را بر حسب شدت تغییرات ساختاری اعمال شده نشان می‌دهد. این دسته تدابیر برای چیرگی بر تفرق سیاسی - که از ایجاد حکومت یک سطحی و دو سطحی (شدت منطقه‌گرایی بالا) تا ایجاد روابط داوطلبانه همکاری بین قلمروهای حکومتی (شدت منطقه‌گرایی کم) مختلف متغیر است - در متون مرتبط حکومت کلان شهری به راهبردهای منطقه‌گرایی معروف اند (Barlow, 1991). با توجه به ویژگی‌های وضعیت فعلی مدیریت منطقه کلان شهری تهران، قیاس و ارزیابی ساختار و شیوه فعلی اداره امور منطقه کلان شهری تهران با اصول و راهبردهای مدل حکمروایی، مبین نارسایی‌هایی می‌باشد که در جدول شماره ۷ آورده شده است:

۲-۶- وضعیت فعلی مدیریت منطقه کلان شهری تهران براساس مطالعات میدانی

برای شناخت وضع موجود برنامه‌ریزی و مدیریت منطقه کلان شهری تهران با استفاده از مطالعات میدانی، ابتدا منطقه مورد بررسی در نمونه موردی یعنی منطقه کلان شهری تهران، به‌طور دقیق تعیین می‌شود. اگر منطقه کلان شهری تهران را با توجه به تعریف و مرزی که در

برنامه مجموعه شهری تهران، به‌صورت کلان‌شهر تهران و حوزه نفوذ اطراف آن (آن دسته از نواحی که در داخل مرز استان تهران قرار دارند و دارای تعاملات شدیدی با کلان‌شهر تهران در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و اثرات کالبدی هستند) در نظر بگیریم، در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات این منطقه، از مرزبندی‌های شهرستانی استان تهران استفاده شده است و چهار شهرستان تهران، شمیرانات، ری و اسلام شهر که شهرستان‌های مرکزی استان تهران هستند و مرز مناطق بیست و دوگانه شهرداری تهران به داخل آن‌ها نفوذ کرده و تنوع قابل قبولی از اقشار اجتماعی را در خود جای داده‌اند، برای آمارگیری انتخاب شدند. فرآیند این بخش از مراحل اصلی زیر تشکیل می‌شود:

– تعیین جامعه آماری شامل نواحی و گروه‌های مورد نظر برای جمع‌آوری اطلاعات؛

– تعیین معیارها و شاخص‌های مناسب برای سنجش حکمهی

– وزن دهی به معیارها با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی؛

– سنجش پایایی پرسش‌نامه‌های تکمیل شده با استفاده از روش آلفای کرونباخ؛

– بیان یافته‌های حاصل از تحقیق به صورت امتیاز به دست آمده برای حکمروایی به تفکیک نواحی و گروه‌های جامعه آماری؛ و

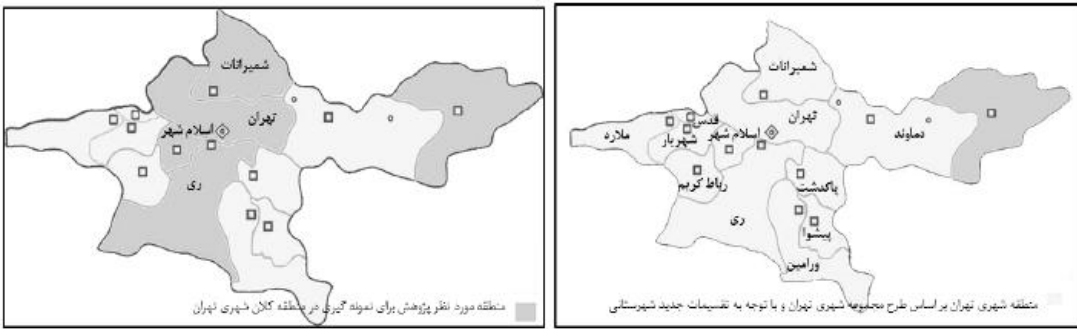
– نتایج تحقیق به صورت بیان مشکلات و امکانات موجود به تفکیک نواحی و گروه‌های جامعه آماری.

در پژوهش حاضر، حکمروایی در منطقه شهری تهران دارای ده معیار و هر معیار با چند شاخص تعریف شده است و برای بررسی مفهوم حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران، به دلیل گسترده بودن جامعه آماری در چهار عرصه ساکنین، بخش دولتی، عمومی و خصوصی و بالا بودن حجم نمونه‌ها و گستردگی تعداد شاخص‌های سنجش، سنجش حکمروایی در منطقه شهری تهران برای چهار شهرستان تهران، شمیرانات، ری و اسلام شهر صورت گرفته است (شکل شماره ۱) که شهرستان‌های مرکزی استان تهران هستند و مناطق بیست و دوگانه شهرداری شهر تهران در محدوده این شهرستان‌ها واقع

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014

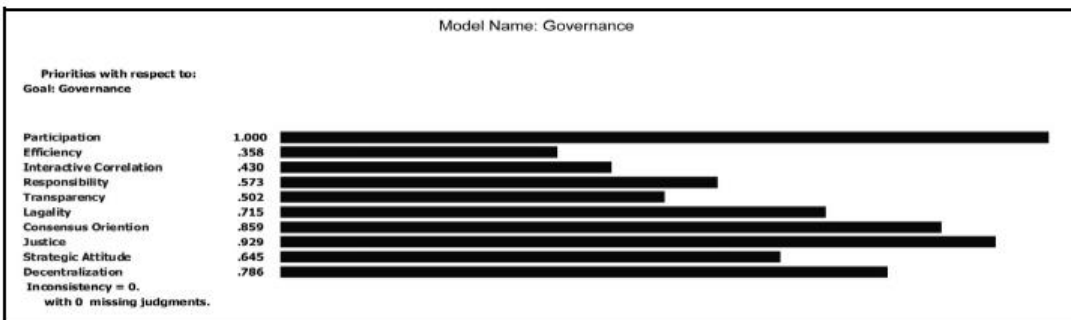
۲۸۳



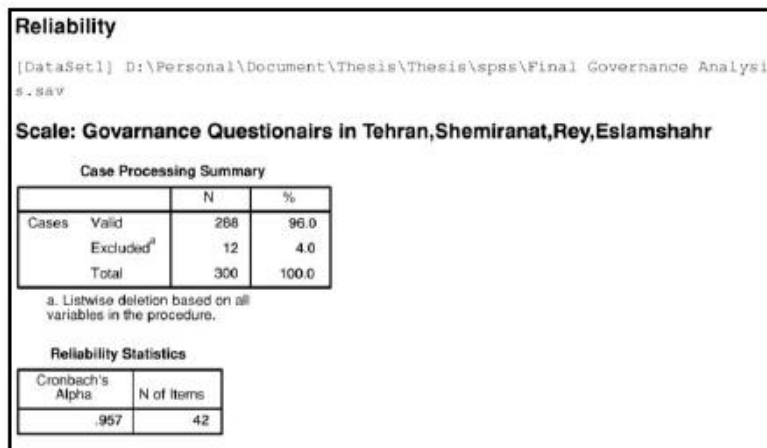
شکل ۳. تعیین منطقه مورد نظر برای سنجش حکمروایی منطقه کلان شهری تهران، ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۰

لازم است که به ابعاد حکمروایی در سایر عرصه‌ها (ملی، محلی، ...) نیز توجه شود و در حقیقت تحقق حکمروایی در هر یک از این عرصه‌ها ارتباط مستقیمی به چگونگی آن در سایر عرصه‌های فضایی دارد (Dinesh, 1998)، فهرست شاخص‌های بومی متناسب با معیارها و ویژگی‌های حکمروایی در منطقه شهری تهران نیز برای نظر سنجی کیفی در پرسش نامه‌ها تهیه شدند که به دلیل متنوع بودن شاخص‌های هر معیار از لحاظ مقیاس اندازه گیری، برای محاسبه امتیاز نهایی حکمروایی از فن کمی کردن داده‌های کیفی از طریق وزن دهی و هم‌سو کردن امتیازات استفاده شده است. به طوری که برای سنجش هر شاخص امتیازی بین صفر تا صد در نظر گرفته شده که امتیاز بیشتر نشانه وضعیت بهتر و مطلوب‌تر است. به منظور قابل فهم بودن و سهولت پاسخ‌گویی در پرسش نامه، این امتیازها به صورت کیفی از بسیار کم به بسیار زیاد در نظر گرفته شده‌اند. برای به دست آوردن ضریب مربوط به هر معیار حکمروایی از روش سلسله مراتبی استفاده شده است. ضریب هر

شده است و تنوع قابل قبولی از افشار اجتماعی را در خود جای داده‌اند. از میان اسناد موجود در زمینه معیارها و ویژگی‌های حکمروایی، سند انتشار یافته از سوی سازمان ملل (UNCHS, 1999) را می‌توان جامع‌ترین بیانیه در این زمینه دانست. در این بیانیه معیارها و ویژگی‌های حکمروایی بر ارزش‌های عام و جهان شمول استوار شده است، به نحوی که فارغ از تفاوت‌های سیاسی، فرهنگی و مکانی می‌توان آن‌ها را معیارهای مطلوب حکمروایی شهری و منطقه‌ای دانست. در مورد شرایط خاص ایران، معیار تمرکززدایی را نیز باید به معیارهای یاد شده افزود، زیرا در نظام‌های متمرکز، یکی از پیش شرط‌های تحقق حکمروایی، تمرکززدایی از نظام تصمیم‌گیری است و با در نظر داشتن لزوم منطقه‌گرایی، معیارهای مطلوب حکمروایی منطقه‌ای در ایران گردآوری گردیدند. با توجه به ساختار سیاسی، اداری حاکم بر اداره امور مناطق شهری در ایران و توجه به این نکته که برای تحقق حکمروایی در یک عرصه فضایی مانند منطقه شهری



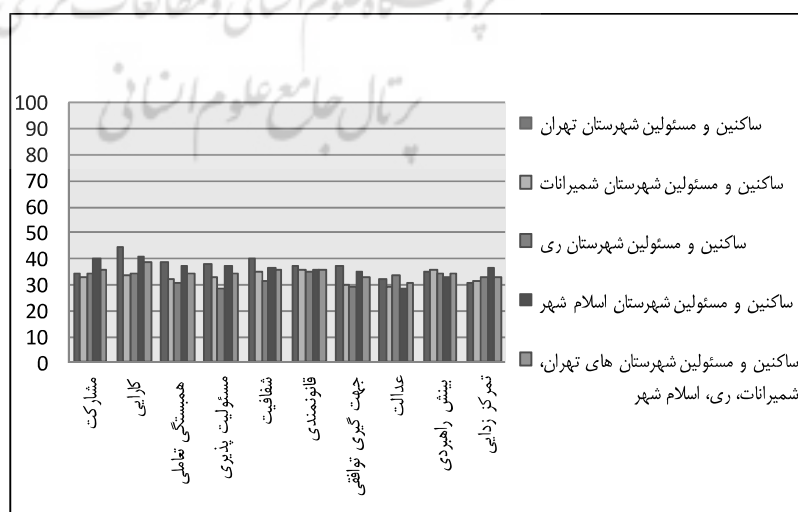
شکل ۴. وزن به دست آمده برای معیارهای حکمروایی در نرم افزار Expert Choice، ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۰



شکل ۵. محاسبه آلفای کرونباخ برای پرسش نامه‌های شهرستان‌های تهران، شمیرانات، ری و اسلام شهر در نرم افزار SPSS،
ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۰

معیار برای به دست آوردن امتیاز نهایی حکمروایی در منطقه شهری تهران در نظر گرفته شده است. در کل شهرستان‌های مورد بررسی تعداد ۳۰۰ پرسش نامه تکمیل گردیده که از این تعداد، ۱۲۰ عدد توسط ساکنین، ۶۰ عدد توسط مسئولین بخش دولتی، ۶۰ عدد توسط مسئولین بخش عمومی و ۶۰ عدد توسط مسئولین بخش خصوصی تکمیل شده‌اند. نتایج آزمون پایایی برای پرسش نامه هایی که در کل شهرستان‌های مورد بررسی تکمیل شده‌اند، به شرح زیر می باشد. همانطور که شکل شماره ۵ نشان می دهد، مقدار آلفای کرونباخ برای پرسش نامه‌های تکمیل شده، مقدار

۰/۹۵۷ می باشد که بیش از ۰/۷ و نزدیک ۱ است و نشان می دهد پاسخ ها از پایایی نسبتاً خوبی برخوردار هستند. پس از سنجش پایایی پرسش نامه ها، به امتیاز بندی معیارهای حکمروایی می پردازیم. امتیازی که برای معیارهای حکمروایی در کل شهرستان‌های مورد بررسی به دست آمده، حاصل میانگین امتیاز شاخص های هر معیار است که در پرسش نامه‌های تکمیل شده در کل شهرستان‌های مورد بررسی توسط گروه‌های مختلف بیان شده و در یک نمودار مقایسه ای (شکل شماره ۴) میان ساکنین و مسئولین بخش‌های مختلف در کل شهرستان‌های مورد بررسی آورده شده است.



شکل ۶. میزان معیارهای حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران از نظر ساکنین و مسئولین شهرستان‌های تهران، شمیرانات، ری، اسلام شهر، ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۰

۷- تحلیل راهبردی از وضعیت نظام حکمروایی منطقه کلان شهری تهران

مطالعات شناخت و تحلیل وضعیت اداره منطقه کلان شهری تهران در ابعاد مختلفی چون قلمروهای منطقه کلان شهری، بررسی نهادی و کارکردی (شناخت عناصر و نهادهای اثرگذار در اداره منطقه کلان شهری) و نیز منابع پشتیبان آن‌ها (شامل قوانین و مقررات، منابع مالی و سایر منابع از جمله برنامه‌ها و طرح‌ها) انجام شده است. با توجه به روش و جهت‌گیری استراتژیک پژوهش، تحلیل تلفیقی اطلاعات و داده‌های مطالعات فوق در قالب مدل سوات انجام می‌گیرد. تحلیل تلفیقی در برگیرنده عناصر اصلی در حوزه‌های «ساختارها و نهادها»، «منابع مدیریت»، «قلمروهای فضایی»، «قوانین و مقررات» و «جامعه مدنی» در قلمرو منطقه شهری است که در آن تأثیر متقابل سه سطح جهانی، ملی و محلی در ارتباط با هم و منطقه کلان شهری دیده شده است. در این تحلیل محیط بیرونی فراگیر، محیطی فراسوی مرزهای ملی است و مقتضیات جهانی از جمله «جهانی‌شدن و محلی‌شدن»، «گذار از حکومت به حاکمیت»، و نیز «تجربیات کشورهای دیگر» عناصر اصلی آن را شکل می‌دهند. فرصت‌ها و تهدیدهای جهانی در قلمرو این محیط بر حکومت ملی و نظام اداره آن و به تبع آن بر نظام اداره منطقه شهری تهران تأثیر می‌گذارد. محیط داخلی فراگیر نیز در این جا حوزه‌های مختلف و تأثیرگذار و روندهای موجود در سطح ملی و نظام حکومت را در بر می‌گیرد که برای اداره منطقه کلان شهری می‌تواند فراهم سازنده فرصت‌ها و تهدیدها در سطح ملی باشد. محیط درونی که شامل نقاط قوت و ضعف نظام اداره و مدیریت منطقه شهری در شرایط موجود است، بیشتر با ارجاع به حوزه‌های مطالعه در قلمرو منطقه شهری از جمله یافته‌های حاصل از سنجش حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران با استفاده از پرسش‌نامه ساکنین و مسئولین تدوین شده است.

به عنوان نتیجه‌ای از تحلیل تلفیقی، از میان فرصت‌ها و تهدیدهای عمده فراروی اداره مناطق کلان شهری در سطح جهانی و ملی می‌توان از یک سو به تغییر مقیاس رقابت سرزمینی از سطح کشوری به سطح شهری و

منطقه‌ای و توجه سیاست‌گذاران، قانون‌گذاران و برنامه‌ریزان ایران به موضوع محدوده‌ها و قلمروهای مجموعه‌های شهری کشور اشاره کرد. همچنین افزایش پیچیدگی، سرعت و مقیاس تغییرات و تحولات ناشی از جهانی‌شدن، تبدیل شدن تصمیم‌گیری به نوعی چانه‌زنی چندسطحی و چندنقشی، ضعف ساختارهای اداره و تصمیم‌گیری سنتی در اداره شرایط جدید، تعدد و تفرق قلمروهای حکومتی و مدیریتی از جمله تهدیداتی است که در تدوین هرگونه استراتژی کارآمد باید مورد توجه قرار گیرند. شکل‌گیری شوراهای شهری و روستایی و نیز شوراهای سطوح فرا دست و همچنین تشکلهای غیر دولتی، تعیین قلمرو مجموعه شهری تهران و به رسمیت شناختن آن در مصوبات هیأت وزیران، تهیه و تصویب طرح مجموعه شهری تهران و ظرفیت مالی مناسب شهرداری‌های واقع در منطقه کلان شهری تهران از جمله نقاط قوت موجود منطقه تهران محسوب می‌شود. از سوی دیگر، تداخل قلمروهای سیاسی و مدیریتی در منطقه کلان شهری تهران، افزایش تعداد قلمروهای حکومتی و به تبع آن افزایش تعداد نهادهای تصمیم‌گیر و اجرایی، سطح حداقل همکاری و تشریک مساعی بین عوامل مؤثر در اداره منطقه کلان شهری تهران و عدم تعادل در سرانه درآمدی شهرداری‌های واقع در منطقه کلان شهری تهران از جمله نقاط ضعف عمده در تحقق حکمروایی منطقه کلان شهری محسوب می‌شوند.

۸- تدوین چشم‌انداز و اهداف کلان و خرد نظام حکمروایی منطقه کلان شهری تهران

در این جا تدوین چشم‌انداز مشترک بنا بر تعریف متأثر از عوامل متعددی از جمله «مبانی نظری و بررسی‌های تطبیقی در موضوع»، «بررسی تجارب جهانی در مورد موضوع» (Haines, 2001:1-2)، «مطالعات شناخت و تحلیل وضعیت موجود اداره منطقه کلان شهری تهران» و «دیدگاه عناصر مؤثر در اداره منطقه» صورت گرفته است. به عبارت دیگر بیانیه چشم‌انداز محصول نتایج مطالعات اسنادی (بررسی نظریه‌ها، مدل‌ها و نمونه‌های مدیریت مناطق کلان شهری در نقاط مختلف جهان و همچنین شناخت و تحلیل وضعیت اداره منطقه کلان شهری

جدول ۸. بیانیه چشم انداز نظام حاکمیت منطقه کلان شهری تهران؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۰

سطح	چشم انداز	اهداف کلان	اهداف خرد
جهانی	همسو و همراه با دیگر نظام های حاکمیت مناطق کلان شهری پیشرفته	توقف حرکت های ضد منطقه گرایی	- تمرکز زدایی نظام تصمیم گیری منطقه ای
			- ایجاد توافق و تفاهم میان کارگزاران هدایت توسعه منطقه
منطقه جهانی	پیشتاز و الگوی نظام های حاکمیت مناطق کلان شهری کشورهای منطقه	شکل گیری حکمروایی منطقه ای	- ایجاد و ارتقای بیش راهبردی در نظام هدایت توسعه منطقه ای
			- تامین عدالت اجتماعی و نفع همگانی در توسعه منطقه ای
ملی	سرمشق موفق برای دیگر نظام های حاکمیت مناطق کلان شهری ایران	یکپارچه نگری منطقه ای	- مشارکت گسترده شهروندان در نظام هدایت توسعه منطقه
			- افزایش اثربخشی و کارایی نظام برنامه ریزی و مدیریت منطقه ای
			- همبستگی تعاملی دستگاه ها و کارگزاران منطقه ای و شهروندان
			- افزایش مسئولیت پذیری دستگاه ها و کارگزاران منطقه
			- افزایش شفافیت در نظام هدایت توسعه منطقه ای
			- ایجاد قانون مندی در نظام هدایت توسعه منطقه ای

تهران) و تلفیق آن با نتایج مطالعات پیمایشی (مصاحبه های انفرادی و گروهی با عوامل تأثیرگذار در اداره منطقه کلان شهری تهران) است.

منظور اصلی از تحقق حکمروایی، تبدیل مدیریت توسعه آمرانه، اقتدارگرا و یک سویه به مدیریت چند سویه و مشارکت طلبانه است. مهم ترین عاملی که در تحقق حکمروایی منطقه ای دخالت دارد وجود عرصه عمومی فعال، پویا و تأثیرگذار در نظام کنترل و هدایت توسعه منطقه ای و به طور کلی در حیات شهری و منطقه ای است. اما همان طور که مطالعات نظری و میدانی تحقیق حاضر نشان می دهد عرصه عمومی در نظام تصمیم گیری در منطقه کلان شهری تهران حضور ندارد یا بسیار ضعیف است. بنابراین تحقق مردم سالاری و حکمروایی، مستلزم تقویت عرصه عمومی در فرآیند کنترل و هدایت توسعه منطقه ای است. بنابراین به منظور برنامه ریزی برای گذار از حکومت به حکمروایی و تحقق مردم سالاری و حکمروایی در نظام تصمیم گیری منطقه شهری تهران، لازم است اهداف کلان و خردی را در نظر گرفت که این اهداف با توجه به سند چشم انداز از یک سو و هم چنین مشکلات و امکانات ذکر شده برای استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران از سویی دیگر، تدوین می شوند و در جدول شماره ۸ آورده شده اند.

۹- تولید و ارزیابی راهبردهای گام به گام استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران
پس از تجزیه و تحلیل مشکلات و امکانات به دست آمده و دسته بندی آن ها به دو دسته عوامل خارجی شامل فرصت ها و تهدیدها و داخلی شامل نقاط قوت و ضعف و دسته بندی فرصت ها و تهدیدها به سطح جهانی و ملی و زیرمجموعه های آن ها و نقاط قوت و ضعف به قلمروها، ساختارها و نهادها، منابع و جامعه مدنی و زیرمجموعه های آن ها، سند چشم انداز و مشکلات و امکانات منطقه کلان شهری تهران برای استقرار نظام حکمروایی در تدوین اهداف برنامه در نظر گرفته شد. ترسیم مسیر راهبردی استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران با تعیین مراحل گام به گام (با نگاهی به تحقیق آخوندی و برک پور، ۱۳۸۹) و مشخص کردن اهداف کلان و خرد هر گام در مسیر راهبردی استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران صورت می گیرد. راهبردهای اولیه با استفاده از جدول سوات تولید می شوند و در ماتریس دستیابی به اهداف برای رسیدن به راهبردهای گام به گام نهایی ارزیابی می گردند. سپس سیاست های اجرایی برای هر راهبرد تولید می شود و ساز و کار اجرایی و مدیریتی برای راهبردها پیشنهاد می گردد. بر این اساس، راهبردهای استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران در



جدول شماره ۹ ارائه شده است که جایگاه هر کدام در مسیر راهبردی و در دست یابی به اهداف حکمروایی مشخص است و در مراحل بعدی سیاست‌های اجرایی و متولی اقدام برای اجرای آن سیاست‌ها نیز مشخص می‌شوند. اقدام برای تحقق بسیاری از راهبردها مستلزم تغییر در مقیاس فضایی و عملکردهای خدمات رسانی انواع حکومت‌های محلی با اهداف عام (شهرداری‌ها و دهرداری‌ها)، انواع واحدهای خدمات رسانی (شعب استانی و شهرستانی وزارت خانه‌ها و سازمان‌های مرکزی) و نیز

وظایف و اختیارات قلمروهای حکومتی چون استان، شهرستان و بخش و تجدید نظر در روابط بین آنهاست. از آنجاکه سطح منطقه کلان شهری در نظام تقسیمات سیاسی و مدیریت سرزمین جایگاه شناخته شده حقوقی ندارد، بزرگ‌ترین مانع بر سر راه شکل‌گیری وحدت و یکپارچگی و چیرگی بر تفرق سیاسی خود را نشان می‌دهد. باید تأکید کرد که اصرار بر حفظ وضع موجود نظام سلسله مراتبی کنونی در قالب تقسیمات سیاسی و نظام مدیریت بخشی در قالب وزارت خانه‌های مرکزی و

جدول ۹. راهبردهای گام به گام استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران

گام	هدف کلان	هدف خرد	سطح	راهبردها
گام اول: رویکرد آسان حکمروایی منطقه ای	توقف حرکت های ضد منطقه گرایی	تمرکز زدایی نظام تصمیم گیری منطقه ای و واگذاری اختیارات به سطوح محلی	ساختارها نهادهای	۱- واگذاری اختیار تهیه طرح های توسعه شهری و منطقه ای به نهادهای محلی
				۲- انتخابی کردن نهادهای مسئول اداره شهر و منطقه از سوی شهروندان
				۳- قانون گذاری در زمینه تمرکز زدایی و قوانین و مقررات
				۴- استقلال منابع مالی نهادهای محلی و قدرت تصمیم گیری درباره نحوه استفاده از منابع مالی
				۵- ایجاد انطباق بین تقسیمات مدیریتی و سیاسی و رفع تعارضات موجود میان سازمان های مختلف تهیه کننده و اجراکننده برنامه های شهری و منطقه ای
گام دوم: رویکرد متوسط منطقه ای	یکپارچه نگری منطقه ای	ایجاد توافق و تفاهم میان کارگزاران هدایت توسعه منطقه ای	ساختارها نهادهای	۶- ایجاد فعالیت های مشترک میان سازمان های رسمی توسعه شهری و منطقه ای و سازمان های غیر دولتی
				۷- ایجاد ساز و کارهایی برای مشورت بین سازمان های رسمی توسعه شهری و منطقه ای و شهروندان
				۸- ایجاد ساختار قانونی و اجرایی متمایز برای برنامه ریزی و حکمروایی منطقه کلان شهری تهران
				۹- ایجاد برنامه های میان مدت و دراز مدت در سازمان های مدیریتی شهر و منطقه
				۱۰- ایجاد برنامه های راهبردی برای ایجاد هماهنگی در منطقه
گام سوم: رویکرد متوسط منطقه ای	یکپارچه نگری منطقه ای	تامین عدالت اجتماعی و نفع همگانی در توسعه منطقه ای	منابع	۱۱- رعایت عدالت در ضوابط منطقه بندی و مقررات شهر و منطقه
				۱۲- رعایت عدالت در نحوه تخصیص منابع و خدمات به شهروندان
				۱۳- مشارکت دادن اقشار محروم جامعه در فرآیند برنامه ریزی و مدیریت شهری و منطقه ای

۱۴- مشارکت دادن سازمان ها و تشکل های غیر دولتی در زمینه مسائل برنامه ریزی و مدیریتی شهر و منطقه	ساختارها	مشارکت واقعی و گسترده شهروندان در نظام هدایت توسعه منطقه
۱۵- فعالیت کردن شوراهای شهر و روستا در کمک به راه اندازی سازمان ها و تشکل های غیر رسمی	نهادهای	
۱۶- نهادینه سازی مشارکت و ترویج مشارکت عمومی خصوصی در ابعاد سازمانی، قانونی و مالی در سطوح حکومت های محلی- منطقه ای و مرکزی	جامعه مدنی	
۱۷- ایجاد ساز و کارهای لازم برای مداخله شهروندان در روند توسعه شهر و منطقه		
۱۸- آگاهی دادن به شهروندان در مورد حقوق و وظایف شهروندی		
۱۹- ایجاد رسانه های محلی		
۲۰- بالا بردن رضایت شهروندان از خدمات سازمان های مدیریتی شهر و منطقه در تمام قلمروها	قلمروها	افزایش اثربخشی و کارایی نظام برنامه ریزی و مدیریت منطقه ای
۲۱- برگزاری دوره آموزشی برای ارتقای صلاحیت علمی و عملی کارکنان سازمان های مدیریتی شهر و منطقه	ساختارها	
۲۲- به کار بردن روش های جدید مدیریت شهری و منطقه ای	نهادهای	
۲۳- قوانین و مقررات و قانون گذاری برای خصوصی سازی برنامه ریزی و مدیریت منطقه ای	منابع	
۲۴- منابع مالی خصوصی سازی منابع برای ارائه خدمات شهری و منطقه ای		
۲۵- ایجاد رویه های ساده برای واکنش مسئولان در برابر خواسته ها و نظرات شهروندان	ساختارها	
۲۶- پی گیری چگونگی تحقق برنامه های توسعه شهری و منطقه ای توسط شوراها	منابع	
۲۷- ایجاد ساز و کارهایی برای انتقال نیازها و خواسته های شهروندان به مسئولان	جامعه مدنی	
۲۸- بالا بردن میزان انجام وظیفه مسئولان برنامه ریزی و مدیریت شهر و منطقه	ساختارها	
۲۹- اطلاع رسانی به شهروندان درباره برنامه های توسعه شهری و منطقه ای	نهادهای	
۳۰- نظرخواهی از عموم شهروندان در مورد برنامه های توسعه شهری و منطقه ای	جامعه مدنی	افزایش شفافیت در نظام هدایت توسعه منطقه ای
۳۱- ایجاد وضوح برای رویه ها، نظارت ها و مسئولیت ها در زمینه برنامه ها، قرارداد ها و مناقصه ها		
۳۲- ایجاد امکان گردش آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی به آن		
۳۳- کنترل افراد و گروه های ذی نفع و ذی نفوذ در برنامه ریزی و مدیریت شهری و منطقه ای	ساختارها	
۳۴- متناسب کردن قوانین با مسائل شهری و منطقه ای	منابع	
۳۵- آگاهی دادن به شهروندان از قوانین و مقررات توسعه شهری و منطقه ای برای رعایت آن ها	جامعه مدنی	
۳۶- آگاهی دادن به شهروندان از مفهوم قانون مندی		

جدول ۱۰. بخش‌ها و ابزارهای مورد نیاز نهاد مدیریت منطقه کلان‌شهری تهران؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۰

دفا تر اجرای برنامه راهبردی	- دفتر مدیریت و برنامه ریزی	بخش‌ها
	- دفتر آموزش	
	- دفتر کار و مهارت‌های شغلی	
	- دفتر حمایت از نهادهای غیر دولتی	
	- دفتر حفاظت و امنیت	
کمیته‌های ایجاد هماهنگی	- کمیته هماهنگی محلی	بین بخش‌ها
	- کمیته تسهیل‌گری و جلب مشارکت	
ابزارهای حقوقی	- ضوابط و مقررات برای درگیر کردن گروه‌های ذی‌نفع در فرآیند برنامه ریزی	ابزارها
	- ضوابط و مقررات برای ایجاد امکان مرور و فرایینی ^{۱۷} برنامه راهبردی	
	- ضوابط و مقررات برای الزام به ارزیابی ^{۱۸} پیش از اجرای برنامه راهبردی	
	- ضوابط و مقررات برای تاکید بر اجرای برنامه راهبردی پس از ارزیابی	
ابزارهای مالی	- منابع مالی برای فراهم نمودن ساز و کار سازمانی مورد نیاز	ابزارها
	- منابع مالی با هدف ارائه کمک‌های مالی به ساکنین	
ابزارهای فنی	- حفظ فرآیند برنامه ریزی	ابزارها
	- استفاده از سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری فضایی ^{۱۹}	

حکمروایی در منطقه کلان‌شهری تهران

با توجه به آنچه در مورد سابقه تحولات و شکل‌گیری منطقه شهری تهران، مسائل و مشکلات منطقه و ریشه‌ها و علل آنها گفته شد، و نیز دست‌آورد‌های تجربیات جهانی در زمینه مدیریت مناطق کلان‌شهری، حل مسائل امروز و آینده و ایجاد محیط قابل‌زندگی و توسعه و رفاه منطقه شهری تهران بیش از هر چیز مستلزم ایجاد «نهاد مدیریت منطقه شهری تهران» است؛ نهادهای واحد با توان و اختیارات کافی، به نحوی که بتواند عملکرد کلیه نهادهای مسئول را در نیل به اهداف رشد و توسعه کل منطقه در چارچوب سیاست‌ها و برنامه‌ها و طرح‌های لازم، هدایت و هماهنگ سازد و بر آن نظارت کند. انجام وظیفه مهم هدایت و ایجاد هماهنگی در اداره امور منطقه شهری تهران مستلزم آن است که این نهاد، مطالعه و ارزیابی مستمر وضعیت منطقه و تشخیص و طرح مسائل و ارائه راه‌حل‌ها، هماهنگی با سطوح بالاتر مدیریت (دولت و مجلس)، نظارت بر اجرای صحیح قوانین و مقررات و برنامه‌ها، و اقدام در جهت توسعه و عمران منطقه را در دستورکار خود قرار دهد. بررسی مسائل، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در این نهاد باید بر عهده شورایی متشکل از

شعب استانی و شهرستانی آنها که هر کدام سیاست‌های خود را از سطوح فراتر می‌گیرند و نیز تعدد و تفرق انواع حکومت‌های محلی چون شهرداری‌ها در فقدان ساز و کارهای هماهنگی و همکاری، مانعی بر سر راه تحقق هرگونه تجدید سازمان حکومت سرزمینی است. این نوع چندگانگی در برنامه ریزی و مدیریت که بیشتر نشان‌گر قدرت عناصر نظام بخشی و شهرداری‌ها در مجموعه‌های شهری است، باید در قالب چارچوب‌هایی هماهنگ و یکپارچه‌گردد تا از اثرات سوء تفرق سیاسی کاسته شود. این نوع یکپارچگی مستلزم تلاش برای تحقق نظام حکمروایی منطقه ای و کلان شهری است که آن نیز مستلزم تجدید سازمان و بازآرایی جدیدی در وظایف سطوح مختلف حکومتی در تهران است. این تجدید سازمان وظایف و کارکردها نیازمند تمرکز زدایی از سطوح ملی و استانی و محلی به سطح جدید منطقه کلان شهری است. یعنی ایجاد لایه جدید برای حکومت و حکمروایی منطقه کلان شهری که می‌تواند با شدت و ضعف منطقه‌گرایی متفاوتی دنبال شود.

۱۰- ساز و کار سازمانی پیشنهادی برای استقرار نظام

17. Monitoring
18. Assessment

19. Spatial Decision Support System (SDSS)

مسئولان بخش‌های اجرایی، استاندار، شهردار تهران و شهرداران شهرهای اصلی منطقه قرار گیرد و به لحاظ جایگاه قانونی نیز باید در سطحی باشد که بتواند وظیفه مهم ایجاد هماهنگی در اقدامات بخش‌ها (وزارتخانه‌ها) را به خوبی به انجام رساند.

هم چنین، این نهاد باید مسئول تهیه و اجرای «طرح منطقه شهری تهران» باشد. طرح منطقه شهری تهران ابزار مدیریت سطح منطقه برای هدایت و کنترل نحوه اسکان جمعیت و استقرار فعالیت‌ها و مداخله در فرایند تحولات و توسعه منطقه خواهد بود. این طرح با هدف ارتقاء و حفظ کیفیت و کارایی شهر تهران، ایجاد تنوع و کارایی اقتصادی و مطلوبیت اجتماعی در کانون‌های جمعیتی محروم منطقه و افزایش میزان خودکفایی آنها، کاهش هزینه‌ها و بهبود نظام خدماتی و حمل و نقل، جلوگیری از گسترش آلودگی‌ها و حفاظت از منابع طبیعی و زیست محیطی، تهیه و اجرا می‌شود. به طور کلی این نهاد برای رسیدن به اهدافش، نیازمند بخش‌ها

و ابزارهایی است که در جدول شماره ۱۰ آورده شده است. روشن است که نظام پیشنهادی مدیریت منطقه کلان شهری تهران برای اجرای برنامه فضایی راهبردی در راستای استقرار نظام حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای، نیازمند سامان‌دهی و دستورکار مفصلی است که می‌تواند موضوع پژوهش‌های گوناگون قرار گیرد. هم چنین، لازم به ذکر است که در این راستا، واگذاری تصدی همراه با حاکمیت به شهرداری و شوراهای یعنی واگذاری مسئولیت توأم با اختیارات به آنان، تقویت سازمانی و انگیزش درونی برای تغییر نیز ضروری می‌باشد. در این صورت است که تحقق حکمروایی شایسته و برنامه ریزی فضایی راهبردی در مدیریت منطقه کلان شهری تهران، علاوه بر نفع نیازهای کمی، زمینه ارتقای کیفیت محیط و عدالت اجتماعی و هماهنگی بین منافع عمومی و خصوصی و هویت ملی و محلی و در یک کلام توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای را فراهم می‌آورد.

جدول ۱۱. سیاست‌های اجرایی متناسب با راهبردهای گام به گام استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران

گام	راهبرد	سیاست‌های اجرایی	متولی اقدام
گام اول: رویکرد آسان حکمروایی منطقه ای	۱	- تجهیز نهادهای محلی با منابع مالی، قانونی و انسانی متناسب با مسئولیت‌های تهیه طرح‌های توسعه	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی
	۲	- انتخاب شهردار با آرای مستقیم مردم	وزارت کشور
	۳	- قانون گذاری برای کاهش تمرکز در شهر تهران - قانون گذاری برای تمرکز زدایی منابع مالی و قدرت سیاسی از حکومت‌های مرکزی به سطوح محلی	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، مجلس شورای اسلامی
	۴	- ایجاد منابع درآمدی پایدار برای شهرداری‌های واقع در منطقه کلان شهری تهران و تعادل بخشی به سرانه درآمدی آن‌ها - استقلال مالی شوراهای و اتکای آن‌ها به مالیات محلی - تقویت نهادهای محلی (شهرداری‌ها) و مردمی (شوراهای محلی و تعاونی‌های مسکن)	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی
	۵	- به رسمیت شناختن داوری متخصصان برنامه ریزی و مدیریت در اختلافات مربوط به مسائل توسعه شهری و منطقه ای - ایجاد دادگاه‌های ویژه به منظور رسیدگی به اختلافات مربوط به مسائل توسعه شهری و منطقه ای - باز ساخت سازمان‌های محلی در جهت هماهنگی‌های افقی بین و درون سازمانی - توقف سیاست ایجاد شهرداری‌های جدید در منطقه کلان شهری تهران و کاستن از شهرداری‌های موجود برای کاستن از تعدد و تفرق مدیریتی - احیاء قانون نظارت بر گسترش شهر تهران و گسترش محدوده عمل	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری‌ها، شوراهای شهر و روستا

ادامه جدول ۱۱. سیاست‌های اجرایی متناسب با راهبردهای گام به گام استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران

گام	راهبرد	سیاست‌های اجرایی	متولی اقدام	
		شورای نظارت به کل منطقه کلان شهری تهران		
	۶	- تقسیم وظایف ارائه خدمات و زیر ساخت‌های بخش‌های خصوصی و دولتی - تهیه چارچوبی از اهداف و راهبردها در جهت هماهنگی فعالیت‌های بخش‌های مختلف جامعه	شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا	
	۷	- ایجاد نهادهای محلی موثر در تصمیم‌گیری به نمایندگی از شهروندان	شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا	
گام دوم: رویکرد متوسط منطقه ای	۸	- تشکیل کمیسیون مشورتی برنامه ریزی شهری و منطقه ای در کلیه شوراها - ایجاد دفتر برنامه ریزی شهری و منطقه ای در سازمان های مسئول - ایجاد نهاد مسئول برای تدوین برنامه راهبردی حکمروایی منطقه کلان شهری تهران - ایجاد نهادهای مسئول حکمروایی سطح منطقه کلان شهری تهران - ایجاد مدیریت یکپارچه شهری در محدوده و حریم شهرها با باز آرای و وظایف حکومت مرکزی و نهادهای محلی	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا	
	۹	- تهیه برنامه هایی برای بازنگری در محدوده تقسیمات کشوری در منطقه کلان شهری تهران بر پایه نحوه مکان‌گزینی جمعیت و فعالیت	وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری ها، سازمان مدیریت و برنامه ریزی	
	۱۰	- تغییر در فرآیند برنامه‌ریزی از برنامه‌ریزی جامع به برنامه‌ریزی راهبردی هدفمند، یکپارچه و مشارکتی - تعریف و تبیین جایگاه قانونی برنامه ریزی راهبردی منطقه کلان شهری تهران در نظام برنامه ریزی کشور - تهیه برنامه راهبردی حکمروایی منطقه شهری تهران	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا	
	۱۱	- ایجاد جنبش های محله ای و شهری به منظور ارتقای وضعیت کم درآمد و محرومان شهری (نظیر محله سالم و شهر سالم)	شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا	
	۱۲	- حل مسئله اسکان گروه‌های کم درآمد - توانمند سازی کم درآمدها و افزایش نقش آنها در زمینه تامین مسکن و اشتغال - عرضه زمین کافی و واگذاری یارانه‌ها و وام مناسب به گروه های کم درآمد	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی،	
	۱۳	- ایجاد نهادهای محلی موثر در تصمیم‌گیری های برنامه ریزی و مدیریتی به نمایندگی از اقشار محروم	شوراهای شهر و روستا	
	گام سوم: رویکرد دشوار منطقه ای	۱۴	- تحول در چاقوب سازمانی و قوانین و مقررات مربوط به اختیارات سازمان های غیردولتی برای رسیدن به برنامه‌ریزی انعطاف‌پذیر و مشارکتی	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی
		۱۵	- ترغیب و تشویق و کمک به ایجاد گروه‌های سازمان یافته شهروندی در قالب سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های داوطلبانه خصوصی و سازمان‌های متکی بر جامعه محلی و ... جهت مشارکت هر چه بیشتر جامعه مدنی در اداره امور	شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
		۱۶	- اعتمادسازی برای ایجاد تمایل مشارکت شهروندان در انتخابات شوراهای شهر و روستا از سوی مسئولین	وزارت کشور، شوراهای شهر و روستا
		۱۷	- ایجاد فضاهای عمومی برای تقویت عرصه جمعی	شهرداری ها، شوراهای شهر



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014

۲۹۲

ادامه جدول ۱۱. سیاست‌های اجرایی متناسب با راهبردهای گام به گام استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران

گام	راهبرد	سیاست های اجرایی	متولی اقدام
			و روستا
	۱۸	- تبیین و ترویج مفهوم و فرهنگ شهروندی از سوی رسانه های پرمخاطب - آموزش شهروندان و ارتقای آگاهی های عمومی آنان از طریق برگزاری همایش ها و کنفرانس ها	شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۱۹	- ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی محلی برای تسهیل مشارکت ذی‌نفعان در فرآیندهای تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت بر انجام امور مختلف در شهر و منطقه	شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۲۰	- رعایت استانداردهای ارائه و بالا بردن پوشش فضایی و تنوع خدمات شهری و منطقه ای - استفاده از توان‌های بالقوه کانون‌های عمده و مستعد جمعیتی و اقتصادی و زیست محیطی موجود، از طریق واگذاری نقش متناسب با توان هر یک و ساماندهی و تجهیز آنها به لحاظ دسترسی به مسکن و زمین ارزان، دسترسی به مراکز اشتغال، بهره‌مندی از خدمات بهداشتی و آموزشی و برخورداری از زیرساخت‌های لازم - ایجاد ساز و کارهای جدیدی از تأمین بودجه برای خدمات و زیرساخت‌ها جهت تضمین توسعه کارا و پایدار - جلوگیری از پراکندگی بیشتر کانون‌های اسکان جمعیت و استقرار فعالیت‌ها در منطقه و تقویت ارتباط و ایجاد انسجام آن‌ها	وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۲۱	- تربیت نیروی انسانی و کارشناسان مسائل مدیریت شهری و منطقه ای در سطوح محلی - ظرفیت سازی توسط ارتقای آموزش، بهسازی تشکیلات و نوسازی قوانین - بالا بردن سطح سواد عمومی انتخاب شوندگان شوراهای - برگزاری همایش ها و مسابقات علمی و هنری با مضامین مدیریت شهر و منطقه - آموزش دائمی کارکنان سازمان های مسئول برنامه ریزی و مدیریت شهری و منطقه ای	وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۲۲	- آگاهی دادن و توجه به لزوم منطقه گرایی از سوی مسئولین - اطلاع دادن به شهروندان از آخرین دستاوردهای تحقیقی و نو آوری های مدیریتی	وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری ها
	۲۳	- حمایت از ایجاد و گسترش سازمان های غیر دولتی - اصلاح قوانین در جهت تفویض وظایف و اختیارات به سطوح محلی - تکمیل حلقه های نظام شورایی و تشکیل شوراهای محلی و منطقه ای - واگذاری خدمات شهری انتفاعی به بخش خصوصی - ایجاد سازمان واحد کنترل و هدایت توسعه شهر و منطقه با مرکزیت شوراها و شهرداری ها - اصلاح قانون در جهت اعطای وظایف و اختیارات بیشتر به شهرداری ها - گسترش نظارت شوراها از شهرداری به سایر دستگاه های اجرایی	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، شهرداری ها، شوراهای شهر و روستا
	۲۴	- حمایت و تشویق سرمایه گذاری خصوصی - تعیین مالیات محلی و واگذاری آن به نهادهای محلی - ایجاد صندوق های اعتباری محلی - افزایش منابع درآمدی شهرداری ها	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014

۲۹۳

ادامه جدول ۱۱. سیاست‌های اجرایی متناسب با راهبردهای گام به گام استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران

گام	راهبرد	سیاست‌های اجرایی	متولی اقدام
	۲۵	- ایجاد روابط افقی و داوطلبانه بین نهادهای با شهروندان در منطقه کلان شهری تهران - تعیین اهداف توسعه شهر و منطقه با نظر مردم در چارچوب سیاست‌های ملی	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی
	۲۶	- انتشار منظم گزارش تحقق برنامه‌های توسعه شهری و منطقه‌ای از سوی شوراهای	- شوراهای شهر و روستا
	۲۷	- ایجاد شبکه جدید و واقعی دریافت نظرات، خواسته‌ها و پیشنهادهای شهروندان	وزارت کشور، شهرداری‌ها، شوراهای شهر و روستا
	۲۸	- سنجش منظم عملکرد مسئولان و اعلام آن - طراحی سیاست‌هایی برای مسئولیت‌پذیر بودن مسئولان برنامه ریزی و مدیریت شهر و منطقه در مورد مشکلات موجود - ایجاد سیاست‌های تشویقی برای مسئولان متعهد	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری‌ها
	۲۹	- ایجاد شبکه اطلاع‌رسانی مسائل شهری و منطقه‌ای به مردم (رایانه، اینترنت،...)	شهرداری‌ها، شوراهای شهر و روستا
	۳۰	- نظر خواهی دوره‌ای از عموم شهروندان در مورد فرآیند تهیه و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های شهری و منطقه‌ای	وزارت کشور، شهرداری‌ها، شوراهای شهر و روستا
	۳۱	- اعلام عمومی طرح‌ها و برنامه‌های شهری و منطقه‌ای - انتشار منظم تصمیم‌گیری‌های شوراهای و اقدامات شهرداری برای عموم مردم	شهرداری‌ها، شوراهای شهر و روستا
	۳۲	- انتشار نشریه‌ها و رسانه‌های آزاد برای بیان حقایق مدیریت شهر و منطقه و اطلاع‌رسانی - گسترش تجارب و تبادل اطلاعات میان شهرها و مناطق شهری	شهرداری‌ها، شوراهای شهر و روستا
	۳۳	- ایجاد انسجام و نظم حقوقی در قوانین ومقررات مربوط به برنامه ریزی و مدیریت شهری و منطقه‌ای و پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی کارآمد	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی
	۳۴	- اصلاح قانون شوراهای در جهت تقویت نقش آن‌ها - تجدید نظر و به روز کردن قانون شهرداری‌ها	وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری‌ها، شوراهای شهر و روستا
	۳۵	- تدوین و انتشار ضوابط و مقررات شهری برای آگاهی و راهنمایی شهروندان	شهرداری‌ها، شوراهای شهر و روستا
	۳۶	- فعالیت‌های رسانه‌ای برای تشویق مردم به رعایت قوانین	شهرداری‌ها، شوراهای شهر و روستا

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014

۲۹۴

۱۱- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با توجه به نتایج مراحل طی شده، در نهایت می‌توان سیاست‌های اجرایی و متولی اقدام آن‌ها را برای هرکدام از راهبردهای پیشنهادی در هر یک از گام‌های سه‌گانه ارائه داد که اجرای متعهدانه آن‌ها ضامن حرکت به سوی تحقق حکمروایی یکپارچه در منطقه کلان شهری تهران است.

با استفاده از برنامه ریزی فضایی راهبردی خواهد بود. سیاست‌های اجرایی و متولی اقدام آن‌ها برای هر مرحله در جدول شماره ۱۱ آورده شده است: به طور کلی، آن‌چه در این پژوهش در نظر گرفته شده این است که اصول کلی برنامه ریزی فضایی راهبردی بر همکاری افراد محلی و مشارکت نزدیک شهروندان

استوار است و در پارادایم حکمروایی نیز فرض بر این است که برای رفع مشکلات مانند افزایش فقر شهری، کاهش کیفیت محیط زیست، مصرف گرایی، نابرابری نژادی، اجتماعی، اقتصادی باید سه قلمرو دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی با شراکت یکدیگر به اقدام بپردازند. ضرورت این موضوع، اگرچه در سال‌های اخیر به انحای مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته ولی نکته مهم و الزامی از ماحصل مباحث مطروحه این است که در دست یابی جهت توسعه پایدار و اهداف برنامه ریزی فضایی راهبردی تشکیل مدیریت یکپارچه و کار با اختیارات لازم پیش شرط آن هاست. برای تحقق این موضوع پیشنهاد می‌شود که در گام اول جهت جلب مشارکت مردم ایجاد واحد ویژه و مکان خاصی برای عموم مردم جهت ارائه اطلاعات، دریافت خواسته‌ها، نظرات و شکایات در شهرداری‌های مناطق ایجاد گردد. همچنین برگزاری و تشکیل جلسات با نمایندگان گروه‌های مختلف و متخصصان در سطح مناطق برای همکاری در توسعه، این موضوع منجر به ایجاد شفافیت در مستندات برنامه ریزی و نهایتاً از دیاد مسئولیت شهروندان می‌شود. ضمناً تشکیل این کمیته‌های مشورتی در تمام فرآیند تهیه، تصویب، اجرا و نظارت طرح لازم است. گام دوم «نهادسازی» این رویکرد شامل تثبیت فرآیند و اقدامات اجرایی در یک دوره بلندمدت می‌شود و به زمان بیشتر و حمایت زیادتر از سوی مدیران محلی و ملی نیاز دارد. «ایجاد سازمان تحقق‌پذیری و اجرا» از مهم‌ترین ارکان برنامه ریزی راهبردی است که حاوی تشکیلات فنی در راهبری طرح است که وظایف راهبری-مشاوره مردمی-مذاکره با سرمایه‌گذاران-پایش و بازنگری برنامه ریزی را به عهده دارد و گام مهم بعدی تشکیل مدیریت واحد و راهبردی که در واقع رهبری اقدام در تغییر را به عهده دارد است.

منابع و مآخذ

۱. اسدی، ایرج و برک پور، ناصر، (۱۳۸۸)، «مدیریت و حکمروایی شهری»، نوبت اول، تهران، انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه هنر.
۲. آخوندی، عباس؛ برک پور، ناصر، (۱۳۸۹)، «راهبردهای

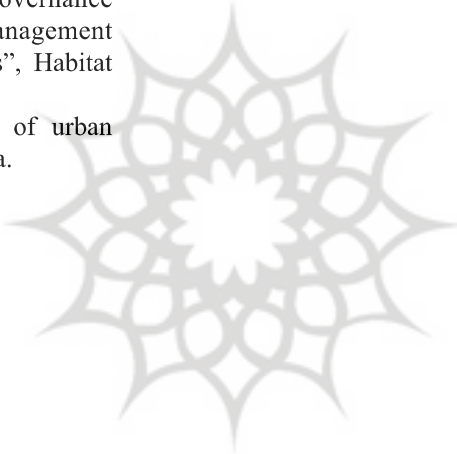
استقرار نظام حکمروایی در منطقه کلان شهری تهران»، فصلنامه راهبرد، ش. ۵۷، سال نوزدهم، صص. ۳۲۴-۲۹۷.
۳. بوجانی، محمد حسین، (۱۳۸۶)، «لزوم بازبینی محتوایی مدیریت کلان شهری»، روزنامه اعتماد، ش ۳.
۴. ترابی، علیرضا، (۱۳۸۳)، «مدیریت پایدار شهری در گرو حکمرانی خوب»، سال ششم، شهرداری‌ها، ش. ۶۹.
۵. صرافی، مظفر، (۱۳۷۸)، «خلاصه گزارش مطالعات طرح ریزی کالبدی در نمونه‌هایی از مناطق کلان شهری جهان»، طرح مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۶. صحت زاده، بهاره، (۱۳۸۴)، «ارزیابی و ارائه برنامه استراتژیک آموزش برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای در ایران»، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۷. عسگری، علی و همکاران، (۱۳۸۳)، «طراحی سیستم مدیریت مجموعه‌های شهری ایران»، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری.
۸. عسگری، علی، (۱۳۸۷)، «طرح طراحی نظام جامع مدیریت مجموعه‌های شهری کشور»، پژوهشکده شهری و روستایی، مرحله اول.
۹. لاله پور، منیژه، (۱۳۸۶)، «حکمروایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه»، جستارهای شهرسازی، سال ششم، ش. ۱۹ و ۲۰.
۱۰. مرادی مسیحی، واران، (۱۳۸۴)، «برنامه ریزی استراتژیک و کاربرد آن در شهرسازی ایران»، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهرداری تهران، تهران.
۱۱. مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، (۱۳۸۵)، «طرح بازنگری استراتژیک نظام مدیریت اجرایی کلان شهر تهران».
۱۲. منوچهری فر، بابک، (۱۳۸۷)، «الزامات و موانع برنامه ریزی فضایی راهبردی»، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شریف.
۱۳. مهدی زاده، جواد، (۱۳۸۵)، «برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری، تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران»، وزارت مسکن و شهرسازی.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014

■ ۲۹۵ ■

14. Albrecht.L, (2001), "In Pursuit of New Approach to Strategic Spatial Planning: A European Perspective", International Planning Studies, Vol.6, No.3.
15. Amamo-otchere.P and Narharyi, (2006), "Land use system approach for sustainable urban land management", Nigeria.
16. Barlow.I.Max, (1991), "Metropolitan Government", Routledge, London and New York.
17. Dekker.K, Kempen.R, (2004), "urban governance within the big cities policy", Journal of Cities, vol.21, No.1.
18. Haines.Anna, (2001), "Using Visioning in a Comprehensive Process", University of Wisconsin-Extension.
19. Mehta.Dinesh, (1998), some attributes of Good Governance and cities, urban Governance: Lessons from Best Practices in Asia, UMP-Asia occasional Paper, No.40.
20. Rakodi.C, (2003), "Politics and Performance: The Implication of Emerging Governance Arrangements for Urban Management Approaches and Information Systems", Habitat International, No.27.
21. UNCHS, (1999), towards a set of urban Governance Indicators, Nairobi, Kenya.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014

■ ۲۹۶ ■